

# بررسی مختصر مسئله افتراق بین نسل جوان و اولیاء

صرفنظر از معانی و اطلاعات اصطلاح فوق، امروزه این مسئله هم در سطح کشوری ( در کشورهای مختلف بطور انفرادی ) و هم در سطح بین‌المللی بطور کلی اهمیت خاصی پیدا کرده و توجه محافل سیاسی ، اجتماعی ، تربیتی را مخصوصاً در ده سال اخیر بخود جلب کرده است . بطوری که سازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته به آن مخصوصاً یونسکو این مسئله را مستقیماً مورد توجه قرار داده‌اند ( یکی از مؤسسات جدید التأسیس یونسکو قسمت فعالیت‌ها و امور مربوط بچوانان است که يك مجله نیز در سطح بین‌المللی منتشر میکند).

قبل از بررسی مطلب بهتر است چند نکته روشن گردد .

اصولاً جوانان به چه گروه سنی اطلاق میشود ؟

تقسیمات گروه‌های سنی عبارتند از :

- ۱- گروه نوزاد ۱ ساله
- ۲- « خردسال ۱ تا ۳ ساله
- ۳- « کودکان ۳ تا ۵ ساله
- ۴- « کودکان ۵ تا ۱۱ ساله
- ۵- « نوجوانان ۱۱ تا ۹ ساله
- ۶- « جوانان ۲۰ تا سی ساله

(سنین بالاتر در اینجا مورد نظر نیست). البته این تقسیمات گروهی در

کشورها تحت تأثیر عوامل مختلف تغییراتی دارند .

مقصود ما از جوانان در اینجا گروه سنی ۱۴ تا ۳۰ ساله است.

اولین تغییری که در طرز فکر جوانان بوجود می‌آید مقارن بلکه ناشی

از تغییرات جسمانی است ( دوران بلوغ) **Adolescence**. همان‌طور که

تغییراتی در وضع فیزیکی و جسمانی در کودکان در اوایل دوران بلوغ بوجود می‌آید (دست‌وپای پسران کشیده می‌شود و در دختران برجستگی و رشد سینه

شروع می‌گردد) همین‌طور در طرز فکر آنان نیز تغییراتی که مقدار زیادی از آن

بعلت همان تغییرات جسمی است بوجود می‌آید برای اولین بار چیزی را

کشف میکند (بلوغ) و برای اولین بار از چیزی لذت می‌برد که متفاوت است.

از اینجایی بوجود می‌آید خودمیرد. جوان در خود موجودیت، استقلال، ابتکار می‌بیند و

این استقلال بعلت آنست که مقداری از احتیاجات وی به اولیاء بطور طبیعی

مرتفع می‌گردد و چون باندازه کافی تجربه ندارد رفع بعضی و قسمتی از این

احتیاجات به اولیاء سبب می‌شود که فکر کند وی کاملاً استقلال یافته و اختلاف

وی با اولیاء شروع می‌گردد و سپس باختلاف بین نسل جوان و نسل اولیاء

تبدیل می‌گردد .

آیا این اختلاف نظر بین دو نسل از پدیده‌های ده سال قبل است و یا

اینکه قبلاً هم وجود داشته ؟

بایستی اقرار کرد که این اختلاف همیشه تا حد معینی وجود داشته ولی حدت و شدت آن با اندازه اختلاف فعلی نبوده . یکی از علل شدت این اختلاف در زمان حاضر آنست که سرعت پیشرفت و تغییر و تحول در زمان حاضر در تاریخ بشریت کاملاً بی سابقه است در زمانهای سابق حتی قرن‌ها با یکدیگر اختلاف فاحشی نداشتند و تارهای يك قرن با قرن سابق محدود و انگشت شمار بود و شاید اصلاً واقعه تازه قابل توجهی در يك قرن اتفاق نمیافتاد و باین جهت جوانان نیز طبعاً نمیتوانستند اختلاف عقیده فاحشی با نسل قبل از خود داشته باشند .

ولی سرعت تغییر در زمان حاضر با اندازه‌ایست که نه تنها جهان در این قرن و قرون پیش کاملاً متفاوت است بلکه جهان در يك دهه با دهه‌های قبل و حتی يك سال با سال قبل نیز متفاوت است و باینجهت گروه‌های سنی مختلف بر حسب تغییرات مربوط بدوران اختلاف سنی خود با دیگر گروهها اختلاف دارند و این اختلاف نه تنها در ایده و طرز فکر است بلکه در رفتار، گفتار ، پوشش و سایر مظاهر زندگی نیز دیده میشود .

برای توضیح باید گفته شود که قبل از انتشار تمدن فعلی يك نوع لباس برای قرنهای متمادی اهمیت خود را حفظ میکرد و نه تنها فرزندان لباسی شبیه لباس پدران و مادران خود میپوشیدند بلکه کسانی که در يك قرن زندگی میکردند درست همان فرم لباس را میپوشیدند ولی سرعت تغییر مدها، پارچه‌ها ، اختلاط و امتزاج ملیتها امکانات مادی باعث شده که در زمان حاضر حتی يك نفر فرم لباس خود را مکرراً تغییر میدهد و حتی خودش با خودش در طرز پوشیدن لباس بمنوان مثل اختلاف پیدا میکند این موضوع را میتوان بسایر جهات و جنبه‌های زندگی نیز سرایت داد .

نکته قابل توجه دیگر اینکه اخیراً سر و صدای زیادی درباره اختلاف نسل جوان با نسل سابق برپا شده است . آیا این اختلاف باین صورت که نشان داده میشود واقماً وجود دارد یا خیر ؟ در جواب باید گفته شود که

مقداری از این سرو صداها واقماً مبالغه بوده و با دسترسی بامکانات تبلیغاتی فعلی ( رادیو - تلویزیون - روزنامه و مجلات ) و گزارشهای مختلف مسئله مهمتر از آنچه واقماً هست جلوه میکند. خاصیت انتشار، گزارش و بازگو مبالغه است و چون تظاهرات جوانان در سطح بین‌المللی گزارش و بازگو میشود طبعاً اغراق و مبالغه در آن دخالت کرده و بیش از آنچه هست نشان داده میشود .

مقدار دیگری از این اختلاف مصنوعی است نه طبیعی باین معنی که شرایط اجتماعی، سیاسی و حقوق‌زندی و تمدن جدید مستلزم این اختلاف گشته. قبل از تمدن فعلی فرزندان بطور طبیعی پس از رسیدن به درشد و بلوغ در جگر که بزرگسالان در آمده دختر و پسر با ظهور آثار بلوغ می‌توانستند ازدواج کرده و از مزایای زندگی بزرگسالانه برخوردار شوند و در واقع برزخی بین دوران کودکی و بزرگسالی وجود نداشت. تمدن فعلی بخاطر ارشاد کامل کودکان و جوانان به آنان فرصت بیشتر داده و برای آنها يك حداقل سن بلوغ قانونی جعل کرده که با بلوغ طبیعی کاملاً تطبیق نمیکند مثلاً تعلیمات اجباری بایستی تا سن ۱۶ سالگی ادامه یابد ، ازدواج قبل از ۲۱ سالگی برخلاف قوانین مخصوص بعضی کشورها است و از این نوع محدودیتها برای رسیدن بسن بلوغ کامل و یا حق رأی دادن برای افراد کوچکتر از ۲۱ سالگی در بعضی کشورها وجود ندارد . این محدودیتهای اجتماعی ، حقوقی و سیاسی باعث آن شده که يك برزخی بین بلوغ طبیعی و بلول اجتماعی ، حقوقی و سیاسی بوجود آید و جوانان در دورانی بسر برند که نه در زمره کودکان هستند و نه در جگر که بزرگسالان و این باعث طفیان آنان میشود و چه جوانان بایی صبری و عجله مایلند خود را در جگر که بزرگسالان داخل کرده تا اولاً از مزایای آنان استفاده کرده و ثانیاً حس کنجکاوای خود را اقناع کنند و در نتیجه اختلاف فعلی ناشی از امور جمعی بوجود آمده است این اندازه اختلاف بین نسل جوان و اولیا و آنان را میتوان اختلاف مصنوعی دانست

نه طبیعی . ولی مقداری از این اختلاف بین دو نسل هم البته طبیعی و واقعی است و میتوان علل آنرا تا حدودی بطریق زیر برشمرد و اصل موضوع را بررسی کرد. مگر در زمانهای گذشته جوانان وجود نداشتند ؟ مگر پیران سابق خود اول جوان نبودند ؟ چرا این مسئله اخیراً بصورت حادی درآمده است علل جلب اهمیت مسئله نسل جوان ظاهراً میتواند امود زیر باشد :

۱- ازدیاد جمعیت بطور کلی - موضوع ازدیاد جمعیت و تولید نسل را که (خود میتواند موضوع بحث جداگانه ای قرار گیرد) سبب شده است که حجم گروههای سنی مختلف بیشتر شود و چون ازدیاد جمعیت (بملا مختلف) نسبتاً امری است تازه که در سابق تا این حد وجود نداشته سبب شده که گروههای سنی پائین تر از ۴۵ سال (اگر ۴۵ سال را حد ختم دوران جوانی بدانیم) بمراتب بیشتر از سابق باشد .

تا قبل از دوران ازدیاد جمعیت معاصر مثلاً گروه سنی از یک تا ۵ سال شاید بیش از ۵٪ جمعیت را تشکیل نمیداد در صورتیکه نسبت نسل جوان بسایر گروههای سنی جمعیت چندین برابر بالا رفته و چون حجم و قشر نسل جوان بیشتر و فشرده تر شده قدرت و نفوذ آن نیز طبعاً بالا رفته است -

۲- مراکز تجمع و در نتیجه تبادل نظر نسل جوان فراهم گشته بطوریکه می توانند در گروههای بسیار بزرگ جمع شده و بتجزیه و تحلیل مسائل پردازند ( دانشگاهها - کلوبهای مختلف اجتماعی - ورزشهای علمی - تفریحی و غیره ) این مسئله اخیراً در سطح بین المللی نیز شدت یافته بطوریکه اتحادیه بین المللی دانشجویان تشکیل شده . دانشجویان میتوانند از این تجمعات و ارتباطات برای کسب قدرت بیشتر در کلیه شئون اجتماعی استفاده کنند.

۳- در اثر انقلاب صنعتی و علمی احتیاج به نیروی انسانی زیادتر شده و باینجهت احتیاج بنسل جوان که در دوران فعالیت کامل جسمی و فکری است در

تصدی امور پیش از سابق گشته و در نتیجه عده بیشتری از جوانان در کارها مداخله کرده و از طرفی استقلال مالی بدست آورده و طبعاً مایل است نسبت بسر نوشت خود مستقیماً مداخله کند.

۴- در اثر پیشرفت‌های علمی مندهای سابق تعلیم و تربیت بکلی تغییر کرده تجرب به که در سابق تنها وسیله کشف حقایق علمی بود و از طریق بالا رفتن سن بیشتر میشد امروزه از درجه اعتبار علمی سابق ساقط شده و راه‌های جدید کشف حقایق علمی بدون احتیاج به تجربه بوجود آمده. در دورانی که تنها تجربه طریق منحصراً بفرود تعلیم و تعلم بود هر چه تجربه بیشتر بدست می‌آمد اشخاص مسن تر قدرتها را در اختیار داشتند و چون جوانان کم تجربه بوده و در نتیجه علم آنها کمتر بود نمیتوانستند از خود قدرت و نفوذی داشته باشند ولی در دوران فعلی پیشرفت‌های علمی، جوانان میتوانند بسرعت بحقایق علمی راه یافته و در عنوان جوانی بمراتب از مردان مسن تر از خود دانشمندتر بشوند و در نتیجه کسب قدرت علمی قدرتهای دیگر نیز بدست آمد.

بهترین راه جلوگیری سوه استفاده از قدرتهائی که یک فرد، گروه و نسل جوان بدست آورده آنستکه آنان را با طرق علمی و عملی باصل مسئولیت در برابر قدرت مکسبه متوجه کنیم. هر قدرت و اختیاری با خود مسئولیتی متناسب همراه دارد. آنچه مسئله نسل جوان را بصورت فعلی در آورده آنست که نسل جوان در برابر قدرت خود احساس مسئولیت نماید.

با ایجاد ایمان و اعتقاد بمسئولیت‌های مختلف در جوان و جوانان میتوان بسیاری از قدرتهای آنها را در مسیر مفید وسودمند و سودبخش بکاربرد.

۵- بالا رفتن همه جانبه و سطوح مختلف زندگی در اثر پیشرفت‌های مهم بین‌المللی و طی پیشرفت‌های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - آموزشی - علمی و غیره و سرعت این پیشرفتها خود سبب اختلاف فاحش طبیعی جهان در سالها، دههها و ازمنه مختلف گردیده. جهان در دهه حاضر مسلماً با جهان

درده گذشته متفاوت است این اختلاف بطور طبیعی در طرز فکر، رفتار و برخورد مردم و جوانانیکه دوران قابلیت تغییر و تحت تأثیر بودن را میگذرانند اثر میگذارد و باینجهت گروههای مختلف سنی متفاوت خواهد بود - بعنوان نمونه در یک خانواده، کودکی که در موقمی چشم بجهان گشوده و بزرگ شده که در خانواده رادیو و تلویزیون وجود داشته با کودکی که در همان خانواده در موقمی بزرگ شده که تلویزیونی وجود نداشته متفاوت است و این مسئله نسبت به عوامل مختلف دیگر تعمیم دارد و همینطور نسبت به گروههای سنی مختلف نیز اطلاق میشود نسل جوان در دورانی بزرگ میشود که اصولاً زندگی متفاوت است و بنا بر این خود بایستی متفاوت باشد. نکته جالب آنستکه نبایستی باین اختلاف و تفاوت دو نسل با دید بدبینی نگریست در واقع پیشرفت و ترقی عبارتست از تغییر و تفاوت منتها بایک برتری.

امکانات بیشتر تحصیلی - پزشکی - شغلی - تفریحی - مالی - امنیتی - آسایش روانی - علمی - اجتماعی - سیاسی - ارتباطاتی - انسانی - موجب اختلاف نظر، سلیقه، شخصیت، احساس و عواطف، جسم، تجربه و معلومات، رفتار و برخورد گروههای مختلف سنی میگردد و ممکنست در آتیه کودکان دارای رشد جسمی و فکری سریعتر از آنچه فعلی وجود دارد باشند همانطور که در اثر امکانات علمی نباتات و حیوانات توانسته اند دارای رشد جسمی سریعتر باشند. شاید نظامها و متدهای آموزشی جدید و امکانات تحصیلی و علمی در آتیه طرز تفکر را بطور کلی تغییر دهد و این خود باعث تغییر و اختلاف بین نسل جوان فعلی ( که بعداً خود نسبت به نسل جوان آتیه نسل من بشمار می آید ) و نسل جوان آتیه گردد.

مهمترین نکته درباره این اختلاف بین دو نسل آنستکه هر دو نسل به آن با دید طبیعی - منطقی - علمی بنگرند و جنبه های مثبت آنرا تجزیه و تحلیل کنند و از جنبه های منفی آن احتراز جویند.

نکته مهم دیگر آنکه با ایجاد روابط خانوادگی صحیح میتوان دو نسل را یکدیگر نزدیک کرد و در واقع این دو نسل میتوانند در خانواده‌های خود با یکدیگر ملاقات و اختلاف خطرناک را رفع و دفع کنند.

۶- فرصت ، وقت آزاد و دید بهتر در اثر پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی جوامع مختلف توانسته‌اند میزان ساعات کار را تقلیل دهند و در نتیجه فرصت و وقت بیشتری برای جوانان برای بررسی و تفکر در مسائل و امور غیر شغلی آنان باقی میماند و چون فرصت بیشتر برای تجزیه و تحلیل محیط و عوامل و امور جاری و مسائل مربوط بخود دارند میتوانند با دید بهتری که طبعاً بعلمت بالا رفتن سطح سواد و توسعه آموزش بدست آورده‌اند امور را بررسی نمایند و یکی از این امور رفتار و گفتار اولیاء است و چون از طرفی بین گفتار و رفتار اولیاء اختلاف می‌بینند و بین آنچه آموخته و آنچه وجود دارد جدائی مشاهده میکنند و از طرف دیگر تشخیص میدهند آنچه وجود دارد غیر از آنچه بایستی باشد میباشد ابتدا بین خود و اولیاء خود و سپس بین خود و جامعه تضاد میبینند و چون بعلمت پیشرفتهای و تحولات سیاسی و کسب آزادیهای بیشتر فرصت تظاهر و اظهار عقیده دارند این تضاد و اختلاف نشان داده میشود و در اثر وجود وسائل ارتباط عمومی این تضاد و اختلاف جلوه میکنند البته باید یاد آور شد که از طرف دیگر بعلمت فرصت و وقت آزاد بیشتر جوانان دچار یک بی‌حوصلگی میگرددند زیرا نمیتوانند وقت خود را بانجام امور مفید و سرگرم کننده بپر کنند. بهترین راه جلوگیری از این کم‌حوصلگی مصرف کردن وقت آزاد جوانان است در امور مفید و سرگرمیهای ارزنده مانند فعالیتهای ورزشی - اجتماعی ، علمی ، هنری ، ادبی ، و مانند آنها .